

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۷

صص ۹۱-۱۰۴

واکاوی نقش انگاره احساس امنیت در ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان شهر شیراز

علیرضا صادقی، استادیار، بخش شهرسازی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

فاطمه شمس، کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مشارکت اجتماعی بیانگر گونه‌های مختلف کنش‌های فردی و گروهی مؤثر بر فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. بعد ذهنی مشارکت، تمایل به مشارکت اجتماعی است و به دلیل اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز ایجاد می‌شود و بعد عینی مشارکت اجتماعی به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند و بیانگر پیوند عینی افراد است. به نظر می‌رسد وجود و تقویت ابعاد مختلف امنیت، نقش بسزایی در تقویت هر دو بعد ذهنی و عینی مشارکت اجتماعی شهروندان داشته باشد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل نقش انگاره امنیت در ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان شهر شیراز، از طریق اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی و روش آن توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. برای اولویت‌بندی انگاره‌های مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان، پرسش‌نامه‌ای تدوین و به‌طور تصادفی میان ۲۵۶ نفر از جامعه آماری توزیع شده و برای تحلیل داده‌ها و بررسی نقش انگاره امنیت از نرم افزار SPSS و آزمون T استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند امنیت بیش از سایر عوامل، زمینه مشارکت اجتماعی فعال شهروندان را فراهم می‌آورد و پس از آن، به ترتیب عوامل اثربخشی، نقش‌آفرینی، انگیزه، تناسب، حمایت، اعتماد، اطلاعات و آموزش، احساس مسئولیت، تعلق و دلبستگی، زمینه و مقدمات و دعوت از عوامل تأثیرگذار بر آن هستند. همچنین، در بخش نتیجه، راهکارهای ارتقاء هر یک از این مؤلفه‌ها بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، حس امنیت، شهر شیراز.

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت به صورت با همدیگر عمل کردن، بر عهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن، بخشی از چیزی را بر عهده داشتن و عمل متقابل اجتماعی تعریف شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۱). این کار نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین فعال و محیط اجتماعی او برای دستیابی به اهداف معین محسوب می‌شود (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۹۸-۶۷). در واقع، مشارکت اجتماعی از اعتماد بین فرد و اجتماع به دست می‌آید و از نظر مفهومی به معنای انواع فعالیت‌های فردی و گروهی برای دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است (ادریسی و شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۱۵). مشارکت فرد در امور اجتماعی با تقویت همبستگی اجتماعی رابطه‌ای دوسویه دارد و شامل هر کنش متقابل اجتماعی و درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که در آن موقعیت‌ها افراد یا گروه‌ها برای دستیابی به اهداف گروهی برانگیخته و در مسئولیت کار شریک می‌شوند. بنابراین، درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت سه بخش مهم مشارکت اجتماعی هستند (حسین‌زاده و فدائی‌ده‌چشمه، ۱۳۹۱: ۸۲-۵۹).

امروزه، به دلیل توجه ناکافی به نقش مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی، مدیریت و تصمیم‌سازی بسیاری از کلان‌شهرها به شهروندان چنین تلقین شده است که در امر تأثیرگذاری بر جامعه و سرنوشت آینده شهر، به نوعی ناتوان هستند. این امر، زمینه احساس بی‌مسئولیتی در برابر مسائل شهری، بی‌اعتنایی نسبت به تخریب فضاهای شهری، بی‌علاقگی به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان و وجود نداشتن انگیزه برای بهبود کیفیت محیط زندگی را در بین بسیاری از آنان به وجود آورده است. گروه‌های اجتماعی مختلف، با تداوم حضور و مشارکت در عرصه‌های عمومی و اجتماعی شهرها خود را هرچه بیشتر سرزنده و بانشاط می‌کنند؛ زیرا شهرها از دیرباز مکان‌هایی برای ایجاد روابط متقابل، برخوردها و تبادلات اجتماعی میان افراد و گروه‌های

مختلف با منافع و علایق متفاوت بوده‌اند و در افزایش فعالیت‌های متقابل اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی به طور اساسی نقش داشته‌اند. درحقیقت، شهرها همواره مکانی برای جستجوی تفاوت‌ها و هویت‌ها بوده‌اند و شهروند، با مشارکت در شهر و فعالیت‌های شهری و با بازنمایی تفاوت‌ها خود و دیگران را می‌شناسد و میزان تحمل عقاید و دیدگاه‌های گوناگون در او افزایش می‌یابد.

همچنین، امنیت را رهایی از خطر، مخاطرات و لطمات و رهایی از هراس و تردید دانسته‌اند (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶-۲۵) که موضوعاتی چون رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی با وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین بودن و ضمانت را در بر می‌گیرد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶-۳۹). احساس امنیت نیز به صورت در امان بودن یا در امان حس کردن خود تعریف شده است (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶-۲۵) و معنای آن شامل این موارد است: نترسیدن از اینکه به ارزش‌های انسانی حمله شود یا آنها در معرض خطر قرار گیرند و نیز احساس اطمینان و آرامش خاطر داشتن (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۲۹). به عبارت دیگر، احساس امنیت به معنای احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر است (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹-۲۶) و در شهرهای امروزی برای مشارکت فعالانه اجتماعی نوعی حس آرامش ناشی از در امان بودن از خطرات و تهدیدات محیطی یا به بیان دیگر، وجود حس امنیت در زمان مشارکت ضرورت دارد. در همین زمینه، ورپل، به تحقیقی در شهر لندن اشاره می‌کند که در آن بیش از نیمی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی (چون زنان و سالمندان و کودکان) به دلیل ترس از در معرض حمله قرار گرفتن، از مشارکت در فعالیت‌های شبانه و حضور در اماکن عمومی واهمه داشته‌اند. نزدیک به نیمی از این افراد حتی در طول روز نیز به دلیل ترس از آزار بدنی و در معرض دزدی قرار گرفتن، در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه و انتخابی شرکت نمی‌کردند (Worpole, 1992:37). امروزه، افزایش جرم و جنایت و بزهکاری در محیط‌های

(۱۳۹۱) در تحقیق دیگری تأکید کرده‌اند که این متغیرها با مشارکت اجتماعی به‌طور معناداری رابطه دارند: سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، داشتن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی. در پژوهش شیانی و همکاران (۱۳۹۱) عوامل و شرایط مؤثر بر مشارکت اجتماعی در مدیریت امور شهری چنین بیان شده‌اند: خصوصیات زمینه‌ای (جنسیت، سن، سابقه شهرنشینی، شغل و...)، نظام شخصیتی (ارزش‌ها، نگرش‌ها، تعهدات، تعلقات و...)، خصوصیات خانوادگی، وضعیت نهادی و وضعیت منطقه‌ای. حسین‌زاده و فدائی‌ده‌چشمه (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان شهر شهرکرد در امور شهری را شامل این موارد می‌دانند: رضایت شهروندان، سیاست‌های انگیزشی، اعتماد اجتماعی و نوع فعالیت شهرداری (همچنین، محققان در پژوهش مرتبط دریافتند که میان متغیرهایی چون خاطره جمعی، انگیزه اقتصادی، اعتماد و رابطه اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (ادریسی و شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۵۸). در تحقیق رضادوست و همکاران در سال ۱۳۸۸ عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان به این صورت معرفی شده‌اند: متغیرهای وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، تحصیلات، رضایت از خدمات شهری، عضویت در تشکلهای اجتماعی و شرکت در انتخابات. نتایج کلی پژوهشی با عنوان «نقش مشارکت محلی در ارتقاء امنیت اجتماعی از دیدگاه مردم کرمانشاه» نشان می‌دهد مردم در ۶۰ درصد موارد، فعالیت‌های مشارکت جویانه را در زمینه تأمین امنیت محلات تأثیرگذار می‌دانند (Ghasemi et al., 2014:657-665). در سایر پژوهش‌ها عوامل دیگر مؤثر بر مشارکت شهروندان، شامل این متغیرهاست: میزان اطلاعات عمومی شهروندان، میزان سازمان‌یافتگی گروه‌ها و تشکلهای مشارکت جویانه و عمق باور به فعالیت‌های مشارکتی در شهروندان (Zhou et al., 2014:91-106) و آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی

شهری در کنار معضلاتی چون تعارضات فرهنگی، بی‌ثباتی اجتماعی، گسترش فقر و شکاف طبقاتی، بیکاری، ضعف امکانات آموزشی، کم‌بودن میزان سواد، اعتیاد و... زمینه تشدید احساس ناامنی را در بین شهروندان فراهم کرده است و به همین دلیل، وجود احساس امنیت و در امان بودن از خطرات و تهدیدات برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی ضرورت دارد. باتوجه‌به این مطالب، این پژوهش قصد دارد با بازشناخت مفاهیم مرتبط با مشارکت اجتماعی و احساس امنیت، نقش انگاره امنیت را در مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی شهر شیراز بررسی کند. به‌این ترتیب، سؤال اصلی تحقیق این اساس است که در بین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، انگاره امنیت چه جایگاه و رتبه‌ای دارد.

پیشینه تحقیق

در زمینه شاخص‌های مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر میزان آن، پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور انجام شده است که پژوهش فتحی و میرزاپوری (۱۳۹۵) از آن جمله هستند و در آنها وضعیت شغلی، تحصیلات، درآمد و پایگاه اقتصادی - اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار بر این موضوع محسوب شده‌اند. درحقیقت، میزان مشارکت اجتماعی براساس وضعیت شغلی افراد، میزان تحصیلات، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ایشان متفاوت است. در پژوهش مشابه دیگر، احساس قدرت و تأثیرگذاری فرد، عامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در نظر گرفته شده است که این امر، خود از مؤلفه‌هایی چون میزان تحصیلات، سن، تعلق به مکان و میزان ادغام با فرهنگ اکثریت تأثیر می‌پذیرد (نقدی و کولیوند، ۱۳۹۴: ۲-۲۰). همچنین، در پژوهش انصاری و تاج‌الدین، بر رابطه معنادار این متغیرها با میزان مشارکت تأکید شده است: اعتماد نهادی، رضایت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مدت زمان سکونت (انصاری و تاج‌الدین، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۷۸). همچنین، مظلوم‌خراسانی و همکاران

و جایگاه مشارکت شهروندی در نظام مدیریتی شهر (Kwena, 2013).

در جمع‌بندی نتایج این مطالعات در زمینه مشارکت اجتماعی شهروندان، باید گفت که با وجود تعدد و تنوع پژوهش‌های مرتبط، کمتر پژوهشی رابطه بین امنیت و مشارکت اجتماعی را بررسی و عوامل تأثیرگذار بر امر مشارکت اجتماعی را معرفی و رتبه‌بندی کرده است.

چارچوب مفهومی موضوع پژوهش

مشارکت و مشارکت اجتماعی: مفاهیم و ریشه‌ها

واژه مشارکت^۱ از نظر لغوی به معنای درگیری و تجمع برای هدفی خاص است. درباره معنای اصطلاحی این لغت بسیار بحث کرده‌اند؛ ولی در مجموع جوهره اصلی آن درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری است (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۸۷). در واقع، مشارکت به معنای عام از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته است؛ اما به معنای جدید از عرصه سیاست و پس از تحولات رنسانس و انقلاب کبیر فرانسه آغاز و پس از جنگ جهانی دوم در معنا و مفهومی جدید رشد یافته است (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۱۳). مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴). میزان مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده انسجام و همبستگی اجتماعی است. این موضوع میزان دخالت اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۳۰۴) برانگیختن حساسیت مردم در ادراک و توانمندی در پاسخگویی به طرح‌های توسعه در ابعاد گوناگون است (عفتی، ۱۳۷۱: ۸۴).

در حقیقت، مشارکت به معنی سهیم شدن مردم در تدوین سیاست‌ها و پیشنهادهاست و ارائه اطلاعات از جانب مسئولان و امکان اظهار نظر درباره آن اطلاعات، بخش مهمی از فرایند مشارکت محسوب می‌شود؛ اما تمام ماجرا نیست. همکاری

کامل در جایی تحقق می‌یابد که مردم به‌طور فعالی در فرایند تهیه طرح، نقش‌ها را بر عهده بگیرند. از نظر بانک جهانی مشارکت فرایندی است که از طریق آن بهره‌وران^۲، کنترل خود را بر روند برنامه‌های توسعه و تصمیمات و منابع مرتبط با برنامه باهم تقسیم می‌کنند (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۵: ۵۰-۷۰). مشارکت تضمین‌کننده قدرت شهروندان، به‌ویژه طبقه آسیب‌پذیر و کم‌بهره، برای استفاده از منابع و فرصت‌های اقتصادی و سیاسی در تعیین سنجیده و آگاهانه سرنوشت خود است.

این موضوع مؤلفه‌ای اساسی در ارزیابی توسعه انسانی در ساختار شهری محسوب می‌شود که با درگیری شبکه‌های اجتماعی در میزان همبستگی و ایجاد تعاملات و ارتباطات سازنده بین گروهی یا درون‌شبکه‌ای بر امر توسعه تأثیر می‌گذارد. در واقع، به‌طور خلاصه مشارکت شهروندی امری سازمان‌یافته است که فعالانه، ارادی و داوطلبانه انجام می‌شود. همچنین، با وجود اینکه این مسئله امری تعاملی و متقابل است و در زمینه انجام فعالیت و اهداف آن احساس همبستگی و تعلق وجود دارد، فرایندمحور، پایدار و مستمر نیز هست.

ویژگی‌ها و سطوح مختلف مشارکت اجتماعی

مضمون مشارکت بر تأثیر گذاشتن مردم بر پیشنهادات و فرایندهای برنامه‌ریزی تأکید دارد. از این لحاظ، مشارکت اساساً با مطلع کردن مردم از شیوه کار برنامه‌ریزان متفاوت است و باید از نخستین مراحل برنامه‌ریزی شروع شود. مشارکت، صرفاً در ارائه اطلاعات به مردم، داشتن روابط خوب و متقاعدسازی آنان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه فراهم کردن فرصت یادگیری برای مردم و تشویق آنان به فعالیت متقابل است (برک‌پور، ۱۳۸۱: ۲۴۷). مشارکت و انگیزش اجتماعی در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه رخ می‌دهد و همچنین، برحسب ملاک‌های مختلف به طور گوناگونی تقسیم‌بندی می‌شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۶۸). براساس معیارهایی

² Stakeholders

¹ Participation

چون میزان قدرت و اختیار، مقیاس و قلمرو فعالیت، انواع اصلی مشارکت به مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی و مشارکت محلی تقسیم می‌شوند (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۵: ۵۳) به همین دلیل، مشارکت اجتماعی در برگیرنده انواع مختلف فعالیت‌های فردی و گروهی برای دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. درحقیقت، مشارکت اجتماعی در زمینه تشکیل تشکل‌های اجتماعی غیردولتی - که مانند واسطه میان حکومت و مردم عمل می‌کنند - نقش ایفا می‌کند؛ اما تازه‌ترین زمینه آن، مشارکت شهروندان در ایجاد، اصلاح و اداره محیط زندگی، فضاها و عرصه‌های عمومی شهری پیرامون خود است. این مشارکت از الزامات زندگی شهری است و زمانی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فرد شهرنشین خارج و به شهروند تبدیل شوند (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۱۳). این نوع مشارکت امری معطوف به مکان است و در سه سطح مطرح می‌شود. سطح نخست معطوف به حضور و درگیری ذهنی و عاطفی شهروندان و گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی چون کارمندان، کارگران، کودکان، جوانان، زنان، سالمندان و... در عرصه‌های عمومی شهری است. سطح دوم شامل توانایی انجام فعالیت، بروز رفتار و برقراری تعاملات مطلوب اجتماعی شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری و محیط زندگی پیرامون خود است و سطح سوم، پذیرش مسئولیت و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، نظارت و اداره شهر، محله و محیط زندگی خود را در بر می‌گیرد. بنابراین، باید گفت: ۱- مشارکت شهروندان ماهیت سیاسی دارد؛ ۲- ایجاد انگیزه و تشویق ابتکارات عنصری مهم در فرایند مشارکت است؛ ۳- مسئولیت‌پذیری آگاهانه و داوطلبانه مشارکت‌کنندگان در فرایند مشارکت ضروری است؛ ۳- برقراری تعامل، فعالیت و پیوند متقابل اجتماعی جزئی از این فرایند است؛ ۴- تبادل اطلاعات و امکان اظهار نظر، بخشی از فرایند مشارکت است، نه همه آن و ۵- مشارکت کامل به معنای سهم شدن شهروندان در قدرت

تصمیم‌گیری است.

بررسی نقش امنیت در بین انگاره‌های مشوق مشارکت اجتماعی فعال

مشارکت در فرایند توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم‌کردن مردم در قدرت، راه‌دادن آنها به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد (طوسی، ۱۳۷۰: ۵). میزان مشارکت اجتماعی شهروندان با عواملی چون: ۱- ویژگی‌های فردی و زمینه‌های خانوادگی (مانند پایگاه اجتماعی - اقتصادی، محیط اجتماعی، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، گروه جنسی و سنی) و ۲- محرک‌های اجتماعی (تنوع فرهنگی، تصور از تبعیض و نابرابری، ویژگی‌های ساختارهای اجتماعی، برنامه‌های حمایت‌کننده عمومی و دولتی) مرتبط دانسته شده است (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۴۹).

همچنین، براساس نظریه فعالیت موجه آیزن و فیش‌باین، عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی این موارد هستند: فعال، قصد و نیت افراد، اطمینان از حصول نتایج مدنظر، فرصت انتخاب منطقی، میزان اطلاعات موجود و وجود امکانات برای انجام‌دادن مشارکت (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۲۳).

در همین زمینه و براساس نظریه کنش اجتماعی پارسونز، عواملی چون عنصر محیط و تسهیلات فیزیکی، ارزش‌های غایی، وضعیت ساختاری جامعه (وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تمایلات و نیازهای فردی و اجتماعی (پاداش‌های معنوی و مادی و رعایت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی) و متغیرهای الگویی (علاقه‌مندبودن، جهت‌گیری جمعی، عام‌گرایی، عقل‌گرایی، فعال‌گرایی، آزادی و مساوات‌طلبی) عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی فعال هستند (یزدان‌پناه و پناهی، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۶۹).

همچنین، ارتقاء میزان تحصیلات و اطلاعات، تغییر هنجارهای سنتی حاکم بر جامعه، تغییر در اولویت‌های ارزشی، وجود اعتماد بین فرد و اجتماع، توسل به انگیزه‌های

با در نظر گرفتن مطالب گفته شده، فرضیه اصلی تحقیق این است که ظاهراً وجود امنیت بیشتر از سایر عوامل، زمینه مشارکت و انگیزش اجتماعی فعال شهروندان را فراهم می‌کند؛ بنابراین، در ادامه برای واکاوی نقش انگاره امنیت در مشارکت اجتماعی شهروندان، انگاره‌های مشوق مشارکت اجتماعی فعال اولویت‌بندی و تحلیل شده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در بستری پیمایشی استفاده شده است و جامعه آماری آن، کلیه شهروندان بزرگ‌تر از ۱۸ سال شهر شیراز هستند. همچنین، حجم گروه نمونه جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است. در گام نخست برای دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، ۱۵ معیار در قالب ۲۲ سؤال انتخاب و برای انجام مصاحبه با گروه نمونه ۵۰ نفری از این جامعه تنظیم شده است. این معیارها و سؤال‌ها با جمع‌بندی نتایج به دست آمده از مبانی نظری تحقیق طراحی شده‌اند. با توجه به نتایج حاصل شده از مصاحبه، ۱۲ مؤلفه به صورت مؤلفه‌های مؤثر بر تشویق مشارکت اجتماعی شناخته شده‌اند و در نهایت، برای تعیین درجه اهمیت هر کدام از آنها و دستیابی به مهم‌ترین مؤثر بر ارتقاء مشارکت اجتماعی پرسش‌نامه‌ای تدوین شده است. این پرسش‌نامه از دو بخش الف) بررسی جمعیت‌شناسی پاسخگویان (جنس، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل) و ب) تعیین درجه اهمیت هر کدام از این ۱۲ مؤلفه، تشکیل شده است. همچنین، برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق از روش اعتبار محتوا و برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ابتدا باید واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه سؤال‌های پرسش‌نامه و واریانس کل را محاسبه کرد؛ بنابراین، تعداد ۲۵۶ پرسش‌نامه بین گروه نمونه جامعه آماری مدنظر توزیع شده و پاسخ‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS ارزیابی شده است.

اقتصادی و فرهنگ نیز از انگاره‌های مشوق مشارکت اجتماعی فعال محسوب می‌شوند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۷ و غفاری، ۱۳۸۶: ۶۷). گذشته از آن، از نظر مآشی این عوامل به ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت اجتماعی شهروندان کمک می‌کنند: وجود زمینه فکری لازم برای مشارکت (تقسیم عادلانه درآمد و امکانات توسعه، توسعه خودگردان و فعالیت‌های اشتراکی) وجود نهادها و سازمان‌های مشوق مشارکت (انجمن‌ها، تعاونی‌ها، شوراهای... داشتن اطلاعات کافی (ایدئولوژیک، فنی و عملیاتی) و وجود امکانات مادی و تخصصی لازم (کائوتری، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

باتوجه به این مطالب، از دیدگاه صاحب‌نظران، انگاره‌هایی چون وجود زمینه و مقدمات لازم، نقش‌آفرینی، حمایت، اثربخشی، اعتماد، اطلاعات و آموزش، احساس مسئولیت، انگیزه، تناسب، تعلق و دلبستگی و دعوت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی فعال هستند؛ اما به نظر می‌رسد در بین انگاره‌های بررسی شده، به نقش انگاره امنیت و احساس آرامش ناشی از در امان بودن از خطرات احتمالی قبول مسئولیت مشارکت، به طور شایسته‌ای توجه نشده است. حضور این انگاره در عواملی چون وجود زمینه مشارکت، اعتماد بین فرد و اجتماع، نقش عنصر محیط و تسهیلات فیزیکی در تشویق مشارکت و... مستتر است؛ اما در زمینه تشویق مشارکت اجتماعی لزوم اشاره به آن، به صورت عاملی کلیدی احساس می‌شود. براین اساس، گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و به‌طور خاص زنان، برای حضور بیشتر و مشارکت داوطلبانه در فضاهای شهری به جز خشونت، با مانع اصلی دیگری به نام ناامنی هم‌روبه رو هستند (فروزنده، ۱۳۸۴: ۱۲). در همین زمینه، نتایج تحقیقی در انگلستان بر این نکته تأکید دارد که در بسیاری از شهرهای بزرگ، بیشتر گروه‌های آسیب‌پذیر به دلیل احساس ناامنی تحرک و فعالیت‌های داوطلبانه، انتخابی و اختیاری خود را محدود می‌کنند (سیفایی، ۱۳۸۴: ۴۸). به نظر می‌رسد در صورت صرف نظر از مسائل فرهنگی در بیشتر جوامع، این یافته‌ها قابل تعمیم هستند.

معنوی) اثربخشی، دعوت، احساس مسئولیت، زمینه و مقدمات، اطلاعات و آموزش، تناسب (با ویژگی‌های فردی، فرهنگی یا شخصیتی) تعلق و دلبستگی (با موضوع مشارکت و سایر مشارکت‌کنندگان) و نقش‌آفرینی (نوع نقش‌آفرینی در فرایند مشارکت و مستمر و مقطعی نبودن نقش‌آفرینی) به صورت مؤلفه‌های مؤثر بر تشویق مشارکت اجتماعی مطرح هستند (جدول ۱).

میزان این واریانس نیز برای کل سئوالات، ۰/۸۱ به دست آمده است. گفتنی است در جمع‌آوری اطلاعات، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است و آمار تحلیلی نیز براساس آزمون T ارائه شده‌اند.

یافته‌ها

طبق یافته‌های به‌دست‌آمده از مبانی نظری و مصاحبه انجام شده، ۱۲ مؤلفه اعتماد، امنیت، حمایت، انگیزه (مادی یا

جدول ۱- تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان. ماخذ: نگارندگان

مؤلفه	مفهوم
اعتماد	اعتماد، دلالت بر آن دسته از انتظارات و تعهدات اجتماعی دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی خود دارند. اعتماد داشتن به ساز و کار مشارکت و همچنین، اعتماد به مشارکت‌کنندگان دیگر، از عوامل مشوق مشارکت اجتماعی است.
امنیت	امنیت از جمله حقوق و نیازهای اولیه انسان و لازمه رفاه و آرامش اوست. همچنین، وجود امنیت و آرامش ناشی از در امان بودن از خطرات احتمالی نپذیرفتن مسئولیت مشارکت، عوامل مؤثر بر تقویت مشارکت اجتماعی هستند.
حمایت	در زمان مشارکت، این عوامل به‌طور چشمگیری در میزان آن تأثیر دارند: وجود حمایت، یعنی اعتقاد شخصی به محترم‌بودن و برخورداری از تعهدات متقابل از جانب نهادهای رسمی و قانونی.
انگیزه	انگیزه‌ها عواملی هستند که به‌طور خاصی در ایجاد نیرو، سازمان و الگوهای خاص رفتاری نقش دارند. وجود محرک‌ها و انگیزه‌های مادی و غیرمادی در تشویق مشارکت اجتماعی به نحو بسزایی نقش دارد.
اثربخشی	اطمینان از اثربخش بودن مشارکت و رسیدن به نتایج مدنظر، از عوامل مشوق مشارکت اجتماعی است.
دعوت	دعوت شدن فرد به فرایندهای مشارکت اجتماعی از جانب دیگران و وجود درخواست رسمی برای انجام دادن آن، از عواملی است که بر میزان مشارکت تأثیرگذار است.
احساس مسئولیت	احساس مسئولیت داشتن نسبت به موضوع و زمینه مشارکت، بر میزان و نوع مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.
زمینه و مقدمات	از جمله عوامل مشوق مشارکت اجتماعی فعال، فراهم بودن زمینه و زیرساخت‌های لازم و وجود مقدمات اولیه برای انجام دادن آن است.
اطلاعات و آموزش	برگزاری دوره‌های آموزشی در این زمینه و داشتن اطلاعات لازم درباره آن، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان را تقویت می‌کند.
تناسب	متناسب بودن موضوع و زمینه با علائق فردی و ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی فرد، آشکارا بر میزان مشارکت اجتماعی تأثیر دارد.
تعلق و دلبستگی	از جمله عوامل مشوق مشارکت اجتماعی فعال، احساس تعلق داشتن نسبت به دیگر مشارکت‌کنندگان و دلبستگی به موضوع و زمینه مشارکت است.
نقش‌آفرینی	اطمینان از نوع نقش‌آفرینی در فرایند مشارکت (به صورت رهبر یا عضو محترم گروه مشارکت‌کننده) و مستمر و مقطعی نبودن نقش‌آفرینی بر میزان مشارکت اجتماعی تأثیر دارد.

مردان و ۶۶ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. سن افراد به صورت انتخابی در چهار رده ۱- ۳۵-۱۸ سال؛ ۲- ۵۰-۳۵ سال؛ ۳- ۳-

بررسی‌های جمعیت‌شناسی گروه نمونه مدنظر، با استفاده از نرم افزار Excel انجام شده است و ۵۴ درصد این گروه را

۶۵-۵۰ سال و ۴- بیش از ۶۵ سال در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از ارزیابی جمعیت‌شناسی نشان می‌دهد ۵۶ درصد پاسخگویان در رده سنی الف، ۲۰ درصد در رده سنی ب، ۱۰ درصد در رده سنی پ و ۱۴ درصد در رده سنی ت قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی ۲۹ درصد این افراد تحصیلات دیپلم، ۳۸ درصد کارشناسی، ۱۱ درصد بیشتر از کارشناسی و بقیه پاسخگویان، تحصیلاتی کمتر از دیپلم داشته‌اند. همچنین، ۶۵ درصد آنان متأهل و ۷۲ درصد شاغل بوده‌اند. براساس این مطالب، هدف اصلی این پژوهش واکاوی نقش انگاره امنیت در مشارکت اجتماعی شهروندان، از طریق اولویت‌بندی و تحلیل انگاره‌های مؤثر بر میزان مشارکت

اجتماعی است. به این ترتیب، بین ۱۲ مؤلفه ذکر شده مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی آزمون T انجام شده و درجه اهمیت هر مؤلفه براساس تعیین قدر مطلق کوچک‌ترین میزان T تعیین شده است. در هر مرحله از آزمون T چنانچه قدر مطلق‌های یک یا چند مؤلفه مساوی بوده‌اند، مؤلفه دربردارنده کمترین مقدار آماره T انتخاب شده است. همچنین، در صورت تکرار متوالی یک مؤلفه در مراحل آزمون T نخستین مقدار به دست آمده آن مؤلفه تعیین و در مراحل بعدی آزمون T از آن چشم‌پوشی شده است. نتایج حاصل از ارزیابی‌های این آزمون، در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲- تعیین درجه اهمیت هریک از مؤلفه‌های مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی از جانب گروه نمونه جامعه آماری با استفاده از آزمون T.

مؤلفه	مقدار T در مرحله ۱	مقدار T در مرحله ۲	مقدار T در مرحله ۳	مقدار T در مرحله ۴	مقدار T در مرحله ۵	مقدار T در مرحله ۶	مقدار T در مرحله ۷	مقدار T در مرحله ۸	مقدار T در مرحله ۹	مقدار T در مرحله ۱۰	مقدار T در مرحله ۱۱	مقدار T در مرحله ۱۲
۲۴ ۲۷۶	۱۹ ۵۹۱	۱۴ ۹۰۵	۱۰ ۲۲	۵ ۵۳۴	۰٫۸۴۹	-۳ ۸۳۷	-۸ ۵۲۲	-۱۳ ۲۰۸	-۱۷ ۸۹۳	-۲۲ ۵۷۹	-۲۷ ۲۶۴	-۲۷ ۲۶۴
۶ ۵۰۸	-۰٫۹۶۱	-۸ ۴۳۱	-۱۵ ۹۰۱	-۲۳ ۳۷	-۳۰ ۸۴	-۳۸ ۳۰۹	-۴۵ ۷۷۹	-۵۳ ۲۴۹	-۶۰ ۷۱۸	-۶۸ ۱۸۸	-۷۵ ۶۵۷	-۷۵ ۶۵۷
۱۱ ۵۱	۴ ۹۷۵	-۱ ۵۵۹	-۸ ۰۹۴	-۱۴ ۶۲۸	-۲۱ ۱۶۳	-۲۷ ۶۹۷	-۳۴ ۲۳۲	-۴۰ ۷۶۶	-۴۷ ۳۰۱	-۵۳ ۸۳۵	-۶۰ ۳۷	-۶۰ ۳۷
۲۱ ۲۸۶	۱۶ ۱۷۵	۱۱ ۰۶۴	۵ ۹۵۳	۰٫۸۴۲	-۴ ۲۶۹	-۹ ۳۸	-۱۴ ۴۹	-۱۹ ۶۰۱	-۲۴ ۷۱۲	-۲۹ ۸۲۳	-۳۴ ۹۳۴	-۳۴ ۹۳۴
۲۷ ۷۳۷	۲۲ ۲۲۶	۱۶ ۷۱۴	۱۱ ۲۰۳	۵ ۶۹۲	۰٫۱۸۰	-۵ ۳۳۱	-۱۰ ۸۴۲	-۱۶ ۳۵۴	-۲۱ ۸۶۵	-۲۷ ۳۷۷	-۳۲ ۸۸۸	-۳۲ ۸۸۸
۵۷ ۱۵۴	۵۰ ۹۳۱	۴۴ ۷۰۷	۳۸ ۴۸۴	۳۲ ۲۶۱	۲۶ ۰۳۷	۱۹ ۸۱۴	۱۳ ۵۹	۷ ۳۶۷	۱ ۱۴۳	-۵ ۰۸	-۱۱ ۳۰۴	-۱۱ ۳۰۴
۲۷ ۳۲۷	۲۲ ۲۲۸	۱۷ ۱۲۸	۱۲ ۰۲۹	۶ ۹۲۹	۱ ۸۳۳	-۳ ۲۷	-۸ ۳۶۹	-۱۳ ۴۶۹	-۱۸ ۵۶۸	-۲۳ ۶۶۸	-۲۸ ۷۶۷	-۲۸ ۷۶۷
۱۷ ۳۶۱	۱۳ ۳۳۱	۹ ۳۰۲	۵ ۲۷۲	۱ ۲۴۲	-۲ ۷۸۷	-۶ ۸۱۷	-۱۰ ۸۴۶	-۱۴ ۸۷۶	-۱۸ ۹۰۵	-۲۲ ۹۳۵	-۲۶ ۹۶۴	-۲۶ ۹۶۴
۴۰ ۰۲۴	۳۴ ۲۵۶	۲۸ ۴۸۸	۲۲ ۷۲	۱۶ ۹۵۲	۱۱ ۱۸۴	۵ ۴۱۶	-۰٫۳۵۲	-۶ ۱۲	-۱۱ ۸۸۷	-۱۷ ۶۵۵	-۲۳ ۴۲۳	-۲۳ ۴۲۳
۳۹ ۶۷۶	۳۴ ۲۶۷	۲۸ ۸۵۹	۲۳ ۴۵	۱۸ ۰۴۲	۱۲ ۶۳۳	۷ ۲۲۴	۱ ۸۱۶	-۳ ۵۹۳	-۹ ۰۰۱	-۱۴ ۴۱	-۱۹ ۸۱۹	-۱۹ ۸۱۹
۲۶ ۳۲۷	۲۱ ۶۶۵	۱۷ ۰۰۴	۱۲ ۳۴۳	۷ ۶۸۲	۳ ۰۲۱	-۱٫۶۴	-۶ ۳۰۱	-۱۰ ۹۶۲	-۱۵ ۶۲۴	-۲۰ ۲۸۵	-۲۴ ۹۴۶	-۲۴ ۹۴۶
۱۹ ۴۶۷	۱۵ ۰۰۵	۱۰ ۵۴۳	۶ ۰۸۱	۱ ۶۱۹	-۲ ۸۴۲	-۷ ۳۰۴	-۱۱ ۷۶۶	-۱۶ ۲۲۸	-۲۰ ۶۹	-۲۵ ۱۵۲	-۲۹ ۶۱۴	-۲۹ ۶۱۴
جمع‌بندی												
درجه اهمیت	(درجه ۱)	(درجه ۲)	(درجه ۳)	(درجه ۴)	(درجه ۵)	(درجه ۶)	(درجه ۷)	(درجه ۸)	(درجه ۹)	(درجه ۱۰)	(درجه ۱۱)	(درجه ۱۲)
مؤلفه	امنیت	اثربخشی	نقش‌آفرینی	انگیزه	تناسب	حمایت	اعتماد	اطلاعات و آموزش	احساس مسئولیت	تعلق و دلبستگی	زمینه و مقدمات	دعوت

مأخذ: نگارندگان

بحث

باتوجه به نتایج حاصل از ارزیابی اطلاعات، مؤلفه‌های مؤثر بر

میزان مشارکت اجتماعی شهروندان به ترتیب اهمیت شامل این موارد هستند: ۱- «امنیت»؛ ۲- «اثربخشی»؛ ۳-

انجمن زنان علیه خشونت در کشور انگلستان (که سیفایی در سال ۱۳۸۴ آن را گزارش داده است).

از آن گذشته، مؤلفه «اثربخشی» به مفهوم اطمینان از اثربخش بودن مشارکت اجتماعی در درجه دوم اهمیت گرفته است و این امر، ظاهراً نتایج حاصل از پژوهش‌های انصاری و تاج‌الدین (۱۳۹۳) و همچنین، ادیسی و شجاعی (۱۳۹۱) را تصدیق می‌کند؛ زیرا از نظر معنایی مفهوم این مؤلفه با تعریف ارائه شده از مؤلفه «اعتماد نهادی» مطرح شده در این دو پژوهش، مشترک است. از دیدگاه پرسش‌شوندگان «نقش‌آفرینی» یعنی تداوم نقش مشارکت‌کننده در فعالیت مشارکتی در رتبه سوم اهمیت قرار گرفته و هم‌مفهوم با مؤلفه «قدرتمند بودن و اعتماد اجتماعی» مطرح شده در پژوهش مظلوم خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) است. همچنین، از نظر آنان مؤلفه «انگیزه» نیز در رتبه چهارم اهمیت قرار گرفته و از لحاظ معنایی با مؤلفه «سیاست‌های انگیزشی» مطرح شده در پژوهش حسین‌زاده و فدائی‌ده‌چشمه (۱۳۹۱) مشترک است؛ زیرا هر دو به وجود محرک‌ها و انگیزه‌های مادی و غیرمادی در تشویق مشارکت اجتماعی اشاره دارند. واژه «تناسب» یعنی متناسب بودن موضوع و زمینه با علائق فردی و ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی فرد، از نظر اهمیت در رتبه پنجم قرار دارد و با تعاریف ارائه شده از مؤلفه‌های «احساس تعلق و رضایت شهروندی» در پژوهش شیانی و همکاران (۱۳۹۱) همسو است و این مؤلفه‌ها نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی هستند. همچنین، تأثیرگذاری متغیرهای زمینه‌ای که در پژوهش حسین‌زاده و فدائی‌ده‌چشمه (۱۳۹۱) به اثبات رسیده است، نقش مؤلفه «زمینه و مقدمات» را تأیید می‌کند. گذشته از اطلاعات ذکر شده در مطالعات مرتبط، این پژوهش به مجموعه مؤلفه‌هایی دست یافته است که هر یک به نوعی بر مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار هستند. این مؤلفه‌ها به ترتیب شامل «حمایت»، «اعتماد»، «اطلاعات و آموزش»، «احساس مسئولیت»، «تعلق و دلبستگی» و «دعوت» هستند و در بخش نتیجه، راهکارهایی برای ارتقاء آنها ارائه شده است.

«نقش‌آفرینی»؛ ۴- «انگیزه»؛ ۵- «تناسب»؛ ۶- «حمایت»؛ ۷- «اعتماد»؛ ۸- «اطلاعات و آموزش»؛ ۹- «احساس مسئولیت»؛ ۱۰- «تعلق و دلبستگی»؛ ۱۱- «زمینه و مقدمات» و ۱۲- «دعوت».

در میان مؤلفه‌های مؤثر بر میزان این مشارکت، «امنیت» مهم‌ترین و با اهمیت‌ترین مؤلفه است که با نتایج به دست آمده در پژوهش قاسمی و همکاران (۲۰۱۴) نیز مطابقت دارد. امنیت دو بعد عینی و ذهنی دارد و بعد عینی آن مترادف با واژه ایمنی و به معنای ایجاد موقعیت ایمن برای شهروندان است؛ اما بعد ذهنی آن، مستقیماً با احساس و ادراک شهروندان از وضعیت محیط پیرامون ارتباط دارد و به معنای احساس امنیت است. احساس امنیت یا امنیت ذهنی همیشه به طور مستقیم با امنیت واقعی یا عینی ارتباط ندارد و وجود یا وجودنداشتن این احساس، لزوماً به معنای بهره‌مندی یا محرومیت از امنیت واقعی نیست.

به نظر می‌رسد تأمین امنیت عینی و ذهنی شهروندان، پیش زمینه اصلی شکل‌گیری فضاهای عمومی مطلوب برای تقویت مشارکت شهروندی است. جامعه آماری این پژوهش، برای حضور در فضاهای عمومی شهری این اولویت محیطی را در درجه نخست اهمیت قرار داده است و این امر، نتایج تحقیق مؤسسه تحقیقاتی (Division for the Advancement of Women, 2005: 15-16) کشور فرانسه را در سال ۲۰۰۵ تأیید می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد بیشترین تجاوزه‌ها و نقض حقوق زنان که ناامنی ذهنی و عینی را نیز به وجود می‌آورد، در فضاهای عمومی شهری انجام می‌شود. همچنین، نتایج حاصل از پژوهش حاضر درباره اولویت محیطی امنیت، نتایج این تحقیقات را نیز تأیید می‌کند: تحقیقات در شهرهای ادینبرو اسکاتلند و محله ولوچ لندن (که از جانب ورپل در سال ۱۹۹۲ گزارش شده‌اند) تحقیقات نگار فروزنده در سال ۱۳۸۴ (که ناامنی و خشونت علیه زنان را موانع دسترسی ایشان به فضاهای عمومی شهری می‌داند) و نتایج تحقیقات

نتیجه

میزان مشارکت اجتماعی افراد جامعه به طور چشمگیری در تحقق زندگی بهتر و ایجاد جامعه توسعه‌یافته‌تر تأثیر دارد. این مشارکت، خصوصاً اگر به صورت سازمان یافته انجام شود، این نتایج را در پی دارد: ۱- از بی‌اعتنایی، تک‌روی و خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی جلوگیری می‌کند، ۲- سبب کاهش نابرابری اجتماعی می‌شود و ۳- نیروی همبستگی و وحدت ملی را تقویت می‌کند. باید گفت که در فرایند مشارکت، دستیابی به سطوح خرد مشارکت شهروندی ضروری است و این مسئله، از طریق همکاری گروه‌های مختلف اجتماعی در عرصه‌های عمومی شهری ممکن می‌شود. درحقیقت، حضور

در عرصه‌های عمومی پذیرش مسئولیت و انجام فعالیت، در مقیاس محلی عوامل تقویت‌کننده مشارکت شهروندی هستند. در این میان، به نظر می‌رسد در عرصه‌های عمومی شهری فراهم کردن زمینه مشارکت محلی گروه‌های اجتماعی مختلف، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا این امر، اهداف متعالی طراحی شهری را محقق می‌کند و همچنین، زمینه‌ساز تندرستی، بقا و درگیری فعال گروه‌های اجتماعی مختلف با زندگی و بهبود کیفیت زندگی آنهاست. درواقع، به نظر می‌رسد ایجاد زمینه مشارکت شهروندی در عرصه‌های عمومی به نوعی فرصت رشد و کمال را برای شهروندان فراهم می‌کند و امید به زندگی را در آنها افزایش می‌دهد.



شکل ۱- مشارکت شهروندی و سطوح مختلف آن (ماخذ: نگارندگان)

«اثربخشی»؛ ۳- «نقش آفرینی»؛ ۴- «انگیزه»؛ ۵- «تناسب»؛ ۶- «حمایت»؛ ۷- «اعتماد»؛ ۸- «اطلاعات و آموزش»؛ ۹- «احساس مسئولیت»؛ ۱۰- «تعلق و دلبستگی»؛ ۱۱- «زمینه و

مطابق نتایج تحقیق، از دیدگاه شهروندان شهر شیراز، مشارکت اجتماعی از عواملی دوازده گانه تأثیر می‌پذیرد که به ترتیب اهمیت شامل این موارد هستند: ۱- «امنیت»؛ ۲-

از ارتکاب جرائم جلوگیری کنند. این امر، از راه کاهش «پتانسیل طبیعی» مناطق شهری در جرم‌خیزی یا امکان‌دهی به وقوع جرم ممکن می‌شود و اهداف کلان آن، شامل خوانایی، نظارت، همه شمولی، نفوذپذیری بصری، مقیاس انسانی، ایمنی سواره و پیاده، نگهداری و قلمروگرایی است. توضیحات و راهبردهای هریک از این اهداف نیز در جدول (۳) ذکر شده است.

مقدمات» و ۱۲- «دعوت». (شکل ۱) در این میان، ارتقاء احساس امنیت اجتماعی بیش از هر عامل دیگری، زمینه مشارکت اجتماعی شهروندان را در عرصه‌های عمومی فراهم می‌آورد. همچنین، پیشگیری از جرم مهم‌ترین رویکرد برای جلوگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت محیطی با استفاده از طراحی است. رویکردهای جدید طراحی محیطی قصد دارند از طریق ساختار کالبدی شهری و طراحی "محیط‌های مصنوع"

جدول ۳- اهداف و راهبردهای ارتقاء حس امنیت شهروندان برای تقویت مشارکت اجتماعی شهروندان. مأخذ: نگارندگان

اهداف	راهبرد
خوانایی	تأکید بر ورودی‌های محله با طراحی شاخص فرم کالبدی حفظ و تقویت چشم‌اندازها به جانب عناصر شاخص و توالی نشانه‌ها برای افزایش خوانایی سهولت درک و شناسایی محیط به کمک استفاده‌کنندگان متناسب‌بودن فرم کالبدی با کاربری‌های موجود و پیش‌بینی استفاده از عناصر اصیل موجود ایجاد امکان نظارت افراد بر یکدیگر در محیطی که در آن حضور دارند. تزریق کاربری‌هایی با حیات شبانه
نظارت	پیش‌بینی فضاهای فعالیتی به‌طوری‌که به فضاهای جرم‌خیز اشراف داشته باشند. ایجاد امکان نظارت غیرمستقیم بر فضا
همه‌شمولی	طراحی جداره شفاف برای کاربری‌های همگانی پیشنهادی طراحی واحدهای مسکونی در طبقات بالایی ایجاد امکانات استفاده از فضا برای همه اقشار تعبیه علائم هشداردهنده برای نابینایان در معابر و تقاطع‌ها تأمین سطح شیب‌دار در محل تغییر ارتفاع سطوح در معابر
نفوذپذیری بصری	طراحی جداره‌های تفکیک‌شده و نفوذپذیر استفاده از مصالح شفاف (شیشه) در طبقات همکف برای تقویت ارتباط درون و بیرون
مقیاس انسانی	تناسب عناصر موجود در فضا با مقیاس انسانی پرهیز از ایجاد معابر عریض برای جلوگیری از حس رهاشدگی انسان در فضا رعایت سلسله‌مراتب شبکه دسترسی
ایمنی سواره و پیاده	کاهش تداخل حرکتی پیاده و سواره بهره‌گیری از تکنیک‌های آرام‌سازی انجام اقدامات مربوط به ماندگاری
نگهداری	تشویق ساکنان به مدیریت و نگهداری از فضای مقابل حریم مالکیت خود انجام اقدامات مربوط به مرمت رفع آثار فرسودگی و تخریب در نمای ابنیه ایجاد و تقویت حس تعلق ساکنان
قلمروگرایی	تشویق ساکنان به زیباسازی محل سکونت خود برای افزایش حس نگهداری طراحی ورودی معابر محلی به‌طوری‌که برای ساکنان محلی مشخص و آشنا و برای بازدیدکنندگان هشداردهنده باشد. تعریف فضاهای نیمه‌عمومی برای رعایت سلسله‌مراتب قلمروهای فضایی

از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای تبیین و اجرایی شدن حقوق شهروندی و توجه به مطالبات شهروندی و جایگاه قانونی آن و برگزاری کارگاه‌های آموزش منافع حاصل از مشارکت برای شهروندان، معرفی طیف متنوعی از تشکل‌های مردم‌نهاد مشارکتی متناسب با گروه‌های مختلف مردمی و ارائه گزینه‌ها و حوزه‌های مختلف مشارکتی به شهروندان (اجرا، سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری و...) با هدف ایجاد تناسب، ارتقاء مؤلفه تعلق و دلبستگی با استفاده از بسترسازی انجام فعالیت‌های مشارکتی مرتبط با خاطرات جمعی ساکنان محله، تشکیل نهادها و گروه‌های همیار و همفکر در محله و استفاده از مشارکت آنها و دعوت از افراد به‌منظور مشارکت محله‌محوری برای تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری و تأکید بر نقش‌آفرینی از طریق تبیین نحوه مشارکت گروه‌های مختلف در حوزه‌های مختلف امور شهری، اطمینان بخشی به مشارکت‌کنندگان در رابطه با تداوم نقش‌آفرینی آنها از طریق به رسمیت شناخته شدن عضویت افراد و همچنین، تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد شناخته شده و معتمد به صورت مشارکت‌کنندگان دائمی در تصمیم‌گیری‌های شهری.

منابع

ادریسی، ا. و شجاعی، م. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنان در تحقق طرح‌های توسعه شهری، نمونه موردی: پیاده‌راه‌سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲»، فصلنامه برنامه‌ریزی، رفاه و توسعه اجتماعی، د ۴، ش ۱۳، ص ۱۵۸-۱۱۵.

انصاری، ا. و تاج‌الدین، ح. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان»، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، د ۴، ش ۱۲، ص ۱۷۸-۱۶۱.

در زمینه راهکارهای ارتقاء سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی شهروندان، این موارد ذکر می‌شوند: تلاش برای تقویت سرمایه اجتماعی و حس اعتماد شهروندان به مدیریت شهری و تقویت شفافیت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در عرصه مسائل شهری برای افزایش حس اعتماد در مشارکت‌کنندگان، حمایت سازمان‌های ذی ربط و مدیریت شهری از سازمان‌های مردمی مشارکت‌کنندگان و فعالیت آنها و تدوین و به کار بردن قوانین تضمین‌کننده حقوق شهروندی و کرامت انسانی برای حمایت از فعالیت‌های مشارکتی، سودآورکردن مشارکت و تأمین ابزارهای لازم برای جلب مشارکت شهروندان و سهم کردن افراد مشارکت‌جو در منافع به‌دست‌آمده از پروژه‌های توسعه شهری با هدف ایجاد انگیزه در مشارکت‌کنندگان، تبیین و اطلاع‌رسانی نتایج مثبت حاصل از مشارکت افراد در امور شهری، اعلام عمومی طرح‌ها و پیشنهادها برای شهروندان و تجلیل از مشارکت‌کنندگان صاحب ایده‌های نوین برای تأکید بر مؤلفه اثربخشی، دعوت شدن شهروندان به فرایندهای مشارکت اجتماعی از جانب نهادهای مرتبط، تشویق افراد به عضویت در تشکل‌های غیردولتی و نهادهای مردمی تأثیرگذار و همچنین، شناسایی مشارکت‌کنندگان فعال و تأثیرگذار و نظرخواهی از آنها برای تقویت مؤلفه دعوت، واگذاری برخی از مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شهری به شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی و آموزش مسئولیت‌های شهروندی و ضرورت توجه به آن به شهروندان برای ایجاد احساس مسئولیت در آنها، گسترش فضای فعالیت نهادهای مدنی و عمومی در برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهری، ایجاد بستر اجتماعی - فرهنگی مشارکتی از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های فرهنگی خاص، تدوین سازوکارهای قانونی برای حمایت از فعالیت‌های مشارکتی و همچنین، در نظر گرفتن جایگاه قانونی مشخص برای مشارکت شهروندی در فرایند تهیه و تصویب طرح‌های شهری با هدف فراهم کردن زمینه و مقدمات مشارکت افراد، توجه به مؤلفه اطلاعات و آموزش

- برکپور، ن. (۱۳۸۱). گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری، پایان‌نامه دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- حبیبی، م. ح. و سعیدی‌رضوانی، ه. (۱۳۸۵). «شهرسازی مشارکتی؛ تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی»، نشریه صفا، د ۱۵، ش ۴۳، ص ۷۰-۵۰.
- حسین‌زاده، ع. ح. و فدائی‌ده‌چشمه، ح. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)»، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۲، د ۲، ش ۵، ص ۸۲-۵۹.
- راجرز، ا. و شومیکر، ف. (۱۳۶۹). رسانش نوآوری‌ها: رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه: عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رضادوست، ک.؛ حسین‌زاده، ع. ح. و عابدزاده، ح. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری شهر ایلام»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، د ۲۰، ش ۳، ص ۱۱۰-۹۷.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان.
- سیفایی، م. (۱۳۸۴). مطلوبیت‌سنجی فضاهای عمومی شهری برای استفاده گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) در برنامه‌ریزی مشارکتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شیانی، م.؛ رضوی‌الهاشم، ب. و دلپسند، ک. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران»، نشریه مطالعات شهری، د ۲، س ۲، ش ۴، ص ۲۴۰-۲۱۵.
- طوسی، م. ع. (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران: مرکز آموزش و مدیریت دولتی.
- عفتی، م. (۱۳۷۱). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- علوی‌تبار، ع. ر. (۱۳۸۲). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهرداری‌های کشور.
- غفاری، م. ر. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: انتشارات نزدیک.
- دهقان، ع. ر. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). «تیین مشارکت اجتماعی فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۶، ش ۱، ص ۹۸-۶۷.
- فتیحی، س. و میرزاپوری، ج. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، مورد پژوهش: جوانان شهر بابل»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، د ۷، س ۷، ش ۲۲، ص ۱۰۰-۸۷.
- فروزنده، ن. (۱۳۸۴). ارزیابی امنیت فردی در مناطق شهری تهران برحسب جنسیت، تهران: همایش توسعه محله‌ای.
- کامران، ح. و شعاع‌برآبادی، ع. (۱۳۸۹). «بررسی امنیت در شهرهای مرزی مطالعه موردی: شهر تایباد»، نشریه جغرافیا، د ۸، ش ۲۵، ص ۴۶-۲۵.
- کائوتری، ه. (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، ترجمه: هادی غبرائی و داود طبائی، تهران: نشر روش.
- گروسی، س.؛ میرزایی، ج. و شاهرخی، ا. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت»، نشریه دانش انتظامی، د ۹، ش ۲، ص ۳۹-۲۶.

- Division For the Advancement of Women. (2005) *Equall parcitipation of women and men in dicision making processes, withh particular emphasis on political participation and leadership*, department of economic social affairs, New York.
- Ghasemi, R. Reshadat, S. Moradi, N. Rezaei, M. Rajabi Gilan, N. Armanmehr, V. (2014) The Role of Community Participation in Promoting Social Security from Viewpoint of People in Kermanshah, Iran , *Journal of Research & Health, Social Development & Health Promotion Research Center*, 4 (2): 657-665.
- Kwena, G.N. (2013) *Factors Affecting Community Participation In The Management of Development Projects Through Local Authority Service Delivery Action Plans: A Case Study of Kilgoris Constituency, Narok County, University of Africa, School of Management And Leadership*.
- Worpole, K. (1992) *Towns for People: Transformaing Urban Life*. London: Buckingham University Press.
- Zhou, N. Xiao, X. Feng, F. (2014) Citizen Participation in the Public Policy Process in China: Based on Policy Network Theory , *Public Administration Research*; 3(2): 91-106.
- لطفی، ص؛ بردی‌آنامرادنژاد، ر. و ساسانی‌پور، م. (۱۳۹۳). «بررسی احساس امنیت در فضاهاى عمومى (مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز)»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، د ۵، ش ۱۹، ص ۳۹-۵۶.
- مظلوم‌خراسانی، م؛ نوغانی، م. و خلیفه، م. ر. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعى مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، د ۲۳، ش ۴۵، ص ۵۱-۸۰.
- موسوی، ط. (۱۳۸۶). «مشارکت اجتماعى یکی از مؤلفه‌هاى سرمایه اجتماعى»، فصلنامه رفاه اجتماعى، د ۶، ش ۲۳، ص ۹۲-۶۷.
- میرموسوی، ع. (۱۳۷۵). «مبانی دینی و فرهنگ سیاسى مشارکتى»، مجله نقد و نظر، س ۲، ش ۸ و ۷، ص ۸۶-۱۰۱.
- نقلى، ا. و کولیوند، ش. (۱۳۹۴). «بررسى مشارکت اجتماعى شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت‌هاى فرسوده شهری، مورد مطالعه: ساماندهی بافت فرسوده خیابان مدرس کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، د ۷، ش ۲۱، ص ۲۰-۲.
- نوروزی، ف. ا و فولادی‌سپهر، س. (۱۳۸۸). «بررسى احساس امنیت اجتماعى زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن»، نشریه راهبرد، د ۱۸، ش ۵۳، ص ۱۲۹-۱۵۹.
- یزدان‌پناه، ل. و پناهی، م. ح. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌هاى فردى بر مشارکت اجتماعى»، فصلنامه علوم اجتماعى، د ۱۱، ش ۲۶، ص ۱۰۷-۶۹.
- یزدان‌پناه، ل. و صمدیان، ف. (۱۳۸۷). «تأثیر ویژگی‌هاى فردى و اجتماعى بر مشارکت اجتماعى زنان کرمانى»، نشریه مطالعات زنان، د ۶، ش ۲، ص ۱۴۹-۱۲۷.